



رواج مضامین نامناسب اخلاقی، کلیشه‌های جنسیتی و نژادپرستانه در انیمیشن‌های غربی ادامه دارد

حمله هالیوودی به دنیای کودکان

ورزش

قراردادی که دردرساز می‌شود

«سانبول» چگونه گزینه جانشینی اسکوچیچ شد؟

احسان حدادی:

باید فشار بیاوریم المپیک بر گزار شود



جنگال در زمین شماره دو آزادی

زمین استقلال را گرفتند!



جهانبخش در گفت‌وگو با قدسی:

خوش شانس‌ترین فوتبالیست لژیونر بودم

۱۰

پنجشنبه ۸ خرداد ۱۳۹۹
۵ شوال ۱۴۴۱
۷۸۰ می ۲۰۲۰
شماره ۹۱۵۶
ZENDIGI@QUDSONLINE.IR

روزمره نگاری

تو از تمام دهان‌های شهر می‌شنوی؛ نیا



رقیه توسلی: اخبار شبکه مازندران، روشن است. گزارشگر میکروفن را می‌برد سمت خاومنی که نه دستکش دارد و نه ماسک، اما دارد توی الاچیقی ساحلی میان انبوه اقوام، تخمه می‌شکند و طلیکار است. می‌گوید: آره آمدیم تفریح، خُب خسته شدیم، توی خانه دلمان پوسید.

در ادامه پلیس راهور را نشان می‌دهد که در موازات ترافیک سنگین آزادراه شکست کووید۱۹ باید همچنان پروتکل‌های بهداشتی و فاصله ایمن با افراد را رعایت کرده و از سفرهای غیرضرور و حضور در اجتماعات پرهیز شود.

هم‌اکنون ۲۶۲ نفر بیمار مشکوک به ویروس کرونا با علائم حاد تنفسی در مراکز درمانی استان بستری هستند.

و به عنوان حسن ختام برنامه‌ای می‌بینم از عکس‌های ارسالی درباره گردشگران بی‌ملاحظه که از بخت ما، وفور نعمت اسست این‌روزها... جوری آمده‌اند که احساس می‌شود تلاقی حبس چند ماهه را قرار است یکجا دربیورند سر ولایت ناخوش احوال شمال.

تلویزیون را خاموش می‌کنم. اما با قیام چراهای توی سرم نمی‌دانم باید چه بکنم؟!

چندروزی است دلمشغول‌تر از همیشه، چراهایِ سر می‌خورند توی خانه... به‌خصوص وقتی در جریان اخبار و ویدئوهایی قرار می‌گیرم که منتجانند به کرونا. نمی‌توانم آخر به دوروبرم دقیق نشوم... به قرنطینه چندماهه و خانوادای که هنوز به اصل در-خانه... می‌مانیم وفادارند... نمی‌توانم آگهی ترحیم‌های این چندوقته همسایه و فامیل و دوستان را توی گالری گوشی از نظر نگذارم و بی‌خیال باشم... زیاد فکر نکنم به دوست پرستارم... نمی‌توانم توی خلوت، جمع و تفریق راه بیندازم و پای عقل و انصاف را نکشم وسط... نمی‌توانم.

بیچاره شمال که مهره مار دارد و بیچاره ما شمالی‌ها که دچار چرا چرا شده‌ایم. گرفتار میهمانانی که اهل همدلی نیستند و رژه ماشین راه انداخته‌اند به قصد جنگل و کوهستان و دریا و رودخانه.

شمالی نوشت: زخم و هراس کرونا کم است، غصه میهمان ناخوسته هم شده قوزبالافوز... کاش می‌شد دانشمندان منت بگذارند روی سرمان و اول واکسن حرف‌شنوی را کشف کنند!

هفتوا نه

محسن دولفقاری

ای که بمیری کرونا!



جمعه: سحری امشب در برنامه «ماه من» وقتی پسر شهید الله کرم می‌خواست برای پدرش مداحی کند قبل از اینکه شروع به خواندن کند رسم ادب را رعایت کرد و اسم شاعر شعرش را آورد. من با این کارش بیشتر کیف کردم تا شعر زیبایی که در وصف پدرش خواند.

شنبه: امروز با مسئول یکی از کتابفروشی‌های مشهد قرار ملاقات داشتم. دنبال پرسشندم می‌گشت و ازم کمک می‌خواست تا یک نفر مطمئن براش پیدا کنم. پیشهاد دادم آگهی بزنم که پاسخ داد: «آگهی زدم. یک نفر بهم مراجعه کرده که دکترای ریاضی محض داره. دلم برایش سوختم. دوست ندارم بیاد اینجا. دارم دنبال یک کار متناسب با رشته‌اش می‌گردم. اگه سراغ داری بگو».

خلاصه از همین تریبون اعلام می‌کنم اگه کسی به کتابفروشی علاقه‌مند هست و همچنین کسی نیرویی با مدرک تحصیلی دکترای ریاضی محض لازم دارد به حقیق اطلاع بدهد.

یکشنبه: امروز در محل کار یکی از همکاران عطسه‌ای زد و همه با هم یکصدا گفتیم: «کرونا!» یکی از میان جمع گفت: «خدا لعنت کنه این کرونا رو که ادبیاونم هم تغییر داده. قبلاً هر کی عطسه می‌کرد عبارات دیگه‌ای مثل برحکم الله می‌پزدیم الان همه یک کلام شدیم. کرونا ای که بمیری کرونا!»

دوشنبه: طبق معمول امروز هم به یکی از دوستان نزدیکم که در حزب‌اللهی بودنش هیچ شک و شبهه‌ای نیست در مورد عکس گذاشتن از غذا بهش تذکر دادم که در پاسخ خیلی حق به جانب گفت: «من خودم از اونایی هستم که در مورد این قضیه خاص به بقیه تذکر میدم ولی تخمهرگ که این حرف‌ها رو نداره!» برایش می‌نویسم: «گر به اصل اشتباه بودن این کار ایمان داری فرقی بین شیشلیک و تخمهرگ نیس! بعدش مثل اینکه وضعت خوبه و قیمت تخمهرگ دست نیس ها!» سه‌شنبه: امروز رانوهامی سست شده است و کمی سرفه می‌کنم و تنگی نفس هم دارم. بدون اینکه به خانواده اطلاع دهم در اتاقم خودم را قرنطینه کردم ولی زمان زیادی نگذشت که مادرم فهمید و پرستارم شد. چنددر سخته در خانه خودتم هم قرنطینه باشی و حق نداشته باشی از اتفاق بیرون بیایی.

چهارشنبه: امروز صبح برادر کوچکم حرم رفته و با لیوان آبی از سفاخانه برگشته بود. در اتاقم را زد و لیوان آب را به دستم داد و ازم خواست با گفتن بسط الله و نیت شفا بخورم. چند ساعت گذشت و الحمدلله بهتر شدم.

ابهام در پرونده قتل رومینای ۱۴ ساله

روی موج جنون



مراجعت می‌کنند و مشخص نیست آنجا چه اتفاق غیر

عادی‌ای افتاده است که در هنگام غروب و وقتی دختر در خواب بوده، پدر، دختر خود را به قتل می‌رساند.

رومینا را دوست داشتم

هنوز مشخص نیست چه اتفاقی در خانه رومینا رخ داده که پدر تصمیم گرفته سر دخترش را از تنش جدا کند، اما محکم‌ترین احتمالی که می‌شود مطرح کرد، ماجرای انتشار عکس‌های رومینا با بهمن است. برخی از فعالان مجازی می‌گویند پدر رومینا پس از آنکه تصاویر دخترش با بهمن را در اینستاگرام مشاهده کرده، یک لحظه کنترل خودش را از دست داده و تصمیم گرفته دخترش را به قتل برساند.

از آن طرف اما خود بهمن که به‌تازگی با یکی از رسانه‌ها

گفت‌وگو کرده، قصه دیگری را تعریف می‌کند.

بهمن ۲۹ ساله می‌گوید: «من رومینا را دوست داشتم و دلمان می‌خواست با هم ازدواج کنیم، اما به خاطر تفاوت فرهنگی و مذهبی اجازه ازدواج نداشتیم. رومینا همیشه از وضعیت خانه پدری‌اش می‌نالید و شکایت داشت و می‌گفت پدرش مردی عصبی و خشمگین است و همیشه دلس در کنار دستش بود و وقتی مشکلی در خانه رخ

می‌داد به سرعت عصبانی می‌شد و رومینا یا مادرش را کتک می‌زد.

بهمن ادامه می‌دهد: «رومینا به من گفت که به دنبالش بروم، چون دیگر تحمل ماندن در خانه پدرش را نداشت و در اصل به من پناه آورده بود یک بار هم من یکی از اقوام را نزد پدر رومینا فرستادم تا رومینا را برایم خواستگاری کند، اما پدر رومینا تهدید کرده بود که ما را با شلیک گلوله می‌کشد و دخترش را به من نمی‌دهد».

بهمن بعد از این توضیح می‌دهد که رومینا را پس از فرار، به خانه خواهرش می‌برد و خودش خانه را ترک می‌کند، بنا بر ادعای بهمن، عموهای رومینا همان زمان نقشه قتل برادرزاده خودشان را طراحی می‌کنند و به پدر رومینا می‌گویند اگر نمی‌تواند جلو آبروریزی‌های دخترش را بگیرد، آن‌ها می‌توانند او را به قتل برسانند. دقیقاً همین جا هم هست که قصه کمی پیچیده می‌شود. به این خاطر که عموهای رومینا هم به تازگی با رسانه‌های محلی مصاحبه کرده و ادعای بهمن را رد کرده‌اند.

قضات‌های احساسی

عموی رومینا می‌گوید: «این پسر رومینا را با زور و تهدید که او را می‌کشد یا خود بسرد و ۶ روز تمام هم او را نگه داشت. بعد از این موضوع حتی ما خواستیم که ببایند و خواستگاری کنند اما خانواده آن پسر گفتند نه، پسر ما اشتباه کرده است. حتی عاقد آمده بود که عقدشان کند اما آن پسر قصدش چیز دیگری بود».

او می‌گوید که بهمن، رومینا را اغفال کرد و پس از آن عکسش را در مجازاتش به من فرستاد. «آن پسر در این مدت بارها با من تماس گرفته و ما را تهدید کرده است، به ما فحاشی می‌کند».

عموی رومینا پس از این، بحث را می‌کشاند به سمت همان چند عکس جنجالی از بهمن و رومینا که به ادعای عکسش را در اینستاگرام می‌گذارند؟ کدام مردی عکس آن‌ها توسط بهمن در اینستاگرام پخش شده است: «اگر از رومینا عکسی نمی‌فرستاد این مسائل پیش نمی‌آمد، اصلاً کدام مردی وقتی بخواید با یک دختر ازدواج کند، عکسش را در اینستاگرام می‌گذارد؟ کدام مردی عکس ناموشش را در دنیا پخش می‌کند؟»

اگرچه جای هیچ شکی نیست که پدر رومینا باید به طور عادلانه توسط سیستم قضایی محاکمه شود، اما در این میان موج احساسی که در فضای مجازی و بعضاً رسانه‌ای کشورمان راه افتاده است، شاید در روند محاکمه پدر رومینا اختلال ایجاد کند و بهتر است تا زمانی که ابهام‌های این پرونده قتل برحاشیه به طور کامل رفع نشده، قضات احساسی در مورد آن را متوقف کنیم و به مسئولان این پرونده فرصت دهیم تا در آرامش بتوانند عادلانه‌ترین تصمیم را درباره این پرونده قتل خانوادگی بگیرند. در این زمینه به طور قطع کارشناسان امور اجتماعی و روان‌شناسی و... برای جلوگیری از تکرار چنین وقایعی وظیفه دارند ابعاد پیچیده این ماجرا را بررسی کنند.

حکایت امروز

annotation@qudsonline.ir

عباسعلی سیاهی پونسی، شاعر و روزنامه‌نگار

از آن چه داریم لذت ببریم



صدای زنگوله گوسفندها از دامنه کوه ریخته است توی دره، لابه‌لای سنگ‌ها و علف‌ها و چوپانی سی بالا دارد با داد و بیداد گله را برمی‌گرداند تا بیش از آن بالا نروند. پایین‌ا اما چهار سگ گردن کلف به سرعت به سمت ما می‌آیند و پارس می‌کنند. کمی می‌ترسیم ولی می‌دانم از سگ‌ها بترسم ماجرا بدتر می‌شود پس چند رکاب دیگر می‌زنیم تا صدای چوپانی که توی دره در حال آشیزی است سگ‌ها را از ما برگرداند و بعد می‌ایستیم. همان اول چشمم می‌افتد به سایه درخت و نم‌د چوپان که جان می‌دهد برای اینکه ساعتی روی آن دراز بکشی. خدا قوتی می‌گویم و چوپان با صدایی آمیخته به خستگی و شاید بی‌حوصلگی جوابم را می‌دهد همان طور که آشنیزی می‌کند و توی دیک سیاه روی آتش، روغن می‌ریزد می‌گوید: «خوش به حال شما» می‌پرسم: «چرا؟» و جواب می‌شوم: «عشق دنیا را شما می‌کنین. ما را ببینید توی این بیابان با این گوسفندا شما توی شهر کیف می‌کنین.» این یکی دو جمله پنهانی می‌شود برای حرف زدن بیشتر و البته استراحتی در میانه راهی سخت. بعد از ۲۰ دقیقه‌ای راه می‌افتیم و چوپان گله‌اش را پشت سر می‌گذاریم تا بیشتر و بیشتر به عمق دره سرسبز برویم. در راه حرف‌های چوپان است که از ذهنم می‌گذرد و یاد آن بیت معروف صائب می‌افتم که می‌گوید: «برق را در خرمن مردم تماشا کرده است/ آن که پندارد که حال مردم دنیا خوش است»

از نگاه مرد چوپان حال ما خوش بود و البته در لحظه حرف زدن با او خوش بودیم و در لحظات رکاب زدن که اگر حال خوب و خوشی پشت رکاب زدن‌هایمان نبود اصلاً سختی راه را به جان نمی‌خریدیم. اما نگاه مرد چوپان به ما یک جورهایی مصادق همان حکایت دین‌سرق در خرمن مردم بود. در نگاه مرد چوپان ما دوچرخه‌سواری بودیم که از شکم سیری به طبیعت زده بودیم و داشتیم کیف می‌کردیم، اما همه قتر می‌کنم تا بیشتر و بیشتر و بیشتر تا هم آدم‌هایی از جونس از روزمان را پشت میز می‌نشینیم و اگر حواسمان نباشد فردا به هزار و یک درد مبتلا می‌شویم پس باید گاهی راهی بشویم که رود هم اگر مدتی راهش را سد کنند بیمار می‌شود. با این همه قتر می‌کنم ما آدم‌ها خیلی وقت‌ها حسرت زندگی دیگرانی را می‌خوریم که آن‌ها هم حسرت زندگی دیگرانی را می‌خورند و این چرخ‌های است در حال تکرار و گاهی فراموش می‌کنیم از آن چه داریم و آن چه هستیم لذت ببریم.

فیلم «مایکل مور» از یوتیوب حذف شد

فعالان محیط زیست

باوال استریت سازش کرده‌اند



به نقل از گاردین، فعالان محیط

زیست در بریتانیا، مستند منتشر شده مایکل مور، فیلمساز جنجالی آمریکایی را محکوم کردند و خواستار حذف آن از یوتیوب شدند. یوتیوب به خاطر نقض کی‌رایت یک عکاس محیط زیست بریتانیایی، فیلم مستند «سپاره آدم‌ها» اثر مایکل‌مور را از صفحه خود حذف کرد. این مستند که از سوی دانشمندان و فعالان آب وهوایی با عنوان محتوای نادرست و گمراه‌کننده محکوم شده است، حاوی کلیبی از عکس‌های «توبی اسمیت» عکاس محیط زیست بریتانیایی است که بدون اجازه او در فیلم استفاده شده است. در پاسخ، فیلم‌سازان نقض قوانین استفاده منصفانه را تکذیب کردند و منتقدان خود را به سانسور با انگیزه سیاسی متهم کردند.

اسمیت پس از اطلاع استفاده فیلم مایکل‌مور از چندین ثانیه فیلم‌برداری از پروژه‌اش با عنوان «Rare Earthenware» که جزئیاتی از سفر مواد معدنی خاکی کمپاب از مغولستان داخلی است، در ۲۳ ماه می شکایت خود را به یوتیوب ارسال کرد.

اسمیت که قبلاً در مورد مشکلات و موضوعات انرژی و محیط زیست کار کرده، گفت: به هیچ عنوان تمایلی نداشسته که عکس‌هایش در این فیلم استفاده شود.

«جف گیبز» کارگردان «سپاره آدم‌ها» گفت: در حال مذاکره با یوتیوب برای حل این مشکل است تا پخش فیلم را دوباره به یوتیوب بازگرداند. وی در بیانیه‌ای گفت: این تلاش برای حذف فیلم ما و جلوگیری از دیدن آن توسط عموم مردم، اقدامی آشکار از سانسور توسط منتقدین سیاسی فیلم «سپاره آدم‌ها» است.

وی در ادامه گفت: این، سواستفاده از قانون کی‌رایت برای حذف یک فیلم که گفت‌وگو و بحث جدی درباره بخش‌هایی از جنبش محیط‌زیست با که با وال‌استریت سازش کرده‌اند را پیش می‌کشد، به اصطلاح «سرماپاداران سبز» نامیده می‌شوند. بخشی از فعالان محیط‌زیست با وال‌استریت سازش کرده‌اند. مطلقاً هیچ گونه نقض کی‌رایت در فیلم من وجود ندارد. این تنها تلاشی از جانب مخالفان فیلم برای براندازی و تضعیف «حق آزادی بیان» است.

«سپاره آدم‌ها» به تهیه‌کنندگی «هایکل مور» و کارگردانی «جف‌گیبز» که از ماه گذشته در یوتیوب منتشر شده، ۸ میلیون بیننده داشته است.

«خروج» با سه «سینماماشین» تازه

در تهران اکران می‌شود



به نقل از روابط عمومی پروژه

«سینماماشین»، فیلم سینمایی «خروج» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا روز پنجشنبه هشتم خرداد در فرهنگسرای خاوران، ورزشگاه تختی و ورزشگاه انقلاب کرج به صورت «سینماماشین» اکران می‌شود. به نقل از روابط عمومی پروژه «سینماماشین»، فیلم سینمایی «خروج» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا روز پنجشنبه هشتم خرداد در فرهنگسرای خاوران، ورزشگاه تختی و ورزشگاه انقلاب کرج در طرح «سینماماشین» اکران می‌شود. منوچهر صفرخانی، مدیر اجرایی «سینماماشین» ضمن اشاره به افتتاح این طرح در هفت شهر دیگر کشور در روزهای آینده گفت: از دفاتر پخش و تهیه‌کنندگان دعوت می‌کنم با توجه به ادامه‌دار بودن ویروس کرونا و تعطیلی سالن‌های سینما، نهایت همکاری را با «سینماماشین» داشته باشند. با بازگشایی سینماها و استفاده ۴۰ درصدی از ظرفیت سالن‌ها، آمار فروش فیلم‌ها قطعاً صدمه بزرگی خواهد خورد. ضمن اینکه با از دست دادن زمان اکران، تعداد زیادی از فیلم‌ها در سال جاری به اکران نمی‌رسند و تنها توسعه تعداد سالن‌ها و افزایش «سینماماشین» می‌تواند چاره موقت وضعیت رکود سینمایی ما در این شرایط باشد. همان طور که فروش بلیت آنلاین نوعی دیگر از انواع اکران را در این شرایط سخت به همه ثابت کرد.

وی افزود: فیلم سینمایی «خروج» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا که پیشتر نیز در طرح «سینماماشین» در برج میلاد به نمایش درآمده بود، قرار است روز پنجشنبه هشت خرداد ماه در سه نقطه مختلف شهر از جمله فرهنگسرای خاوران، ورزشگاه تختی و ورزشگاه انقلاب کرج به نمایش درآید. «همان‌خانه ماه نو» نیز دیگر فیلمی است که با سازندگانش توافق نهایی انجام شده و به زودی آن را در این طرح نمایش خواهیم داد. این تهیه‌کننده و کارگردان در ادامه با اشاره به اجرایی شدن این طرح در دیگر نقاط مختلف کشور نیز گفت: هفته آینده این طرح در استان‌های قزوین، اصفهان، فارس، مازندران، آذربایجان شرقی و خراسان‌رضوی افتتاح می‌شود. اجرای شدن آن نیز سختی‌هایی از جمله اجاره کردن فضا، آماده‌سازی محوطه، نصب پرده بزرگ نمایش، خرید تجهیزات با هزینه‌های بالای آن، اخذ مجوزهای لازم... را دارد که امیدوارم با حمایت مسئولان ذی‌ربط پروسه اداری آن کوتاه شود. صفرخانی درباره معضل انحصار در اکران که گریبانگیر بسیاری از صاحبان فیلم‌ها در سال‌های گذشته بود، گفت: عدالت در اکران زمانی محقق خواهد شد که تمامی فیلم‌ها به صورت عادلانه و در همه سالن‌های سینما که متقاضی نمایش آن اثر هستند، اکران شوند. به نظرم مسئولان سینمایی باید در این زمینه نظارت کافی داشته باشند که اگر فیلمی فروش خوبی دارد نسخه آن به تمامی سینماهای شهرستان‌ها نیز داده شود و سینمادار برای اکران آن پروسه‌ای طولانی را طی نکنند. پروسه‌ای که معمولاً موجب اتمام زمان اکران فیلم موردنظر شده و این روال با نمایش فیلم جدید همچنان ادامه پیدا می‌کند. متأسفانه تا همین چند ماه گذشته وضعیت اکران به صورت کاملاً انحصاری اداره می‌شد؛ فیلمی که عده‌ای دوست داشتند فروش بالایی در گیشه داشته باشد از حمایت کامل سینمادارها برخوردار بود. در نقطه مقابل این رویه غیراخلاقی نیز، فیلم‌های بسیاری به مهجورترین شکل ممکن روی پرده رفتند که همگی با ضرر و زیان فراوانی روبه‌رو شدند.

وی در پایان گفت: ضمن تشکر از زحمات مسئولان سازمان سینمایی که همیشه دلسوزانه مساعدت کرده‌اند، امیدوارم از تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان نیز حمایت لازم انجام شود تا فیلم‌ها هم‌زمان با اکران در تهران در همه نقاط کشور نیز به بهترین شکل ممکن به نمایش درآیند. منوچهر صفرخانی پیش از این به عنوان تهیه‌کننده و کارگردان، ساخت چندین فیلم کوتاه و بلند را برعهده داشته است.

رواج مضامین نامناسب اخلاقی، کلیشه‌های جنسیتی و نژادپرستانه در انیمیشن‌های غربی ادامه دارد

حمله هالیوودی به دنیای کودکان



آن‌ها کاراکترهایی هستند که به دامبو کمک‌های زیادی می‌کنند. انیمیشن بانو و ولگرد محصول دیگر دیزنی که در سال ۱۹۵۵ ساخته شده است نیز گربه‌هایی را نمایش می‌دهد که با لهجه غلیظی صحبت می‌کنند و نمایش‌دهنده کلیشه‌هایی از شخصیت‌های آسیایی هستند. بدترین متخلف فیلمی به نام ترانه جنوب است که در سال ۱۹۴۶ ساخته شده است. فیلمی که شاید بیننده آمریکایی چیز زیادی درباره آن نداند، چرا که این فیلم هیچ‌گاه در آمریکا در نمایش خانگی پخش نشد. اگرچه شاید مخاطب آمریکایی یکی از آهنگ‌های این فیلم به نام Zip-a-Dee-Dee از Dah را شنیده باشد. جالب است که بنادین این آهنگ برنده جایزه اسکار بهترین موسیقی در سال ۱۹۴۷ شده است، اما کل فیلم به دلیل اتکای بیش از اندازه به کلیشه‌هایی در مورد سیاه‌پوستان و دارا بودن شخصیت‌های نژادپرست به عنوان یکی از نژادپرستانه‌ترین فیلم‌های هالیوودی شناخته شده است.

برش

تهدیدهای گسترده در حوزه کودکان و نوجوانان بسبی بیش از موارد ذکر شده است و تنها به عنوان نمونه و اشاره به برخی المان‌ها در میان انبوه همه‌های وارده به ذهن‌ها و قلب‌ها پرداختیم. پرسش نخست اما چگونگی مقابله با این یورش همه‌جانبه و هدمفند است و اینکه نهادهای دولتی و حاکمیتی کشور چه وظیفه‌خطیری در کمک به خانواده‌ها دارند؟

حتماً پیشتر خوانندگان نام کارتون پیتز پن را دیده و قهرمان آن را به یاد دارند. در میان کارتون‌های دیزنی، پیتز پن سال‌ها به خاطر اظهارات نژادپرستانه سرخوستان آمریکایی مورد انتقاد بوده است. فیلم آن‌ها با عنوان وحشی خطاب شدند و حتی اصطلاح پوست قرمز هم به آن‌ها نسبت داده شد. برخی از سازندگان از نمایش این تحجر ابراز تأسف کردند و تلاش کردند بر جهالت همگانی در دهه ۵۰ میلادی چیره شوند. در این انیمیشن تایگر لی لی و افراد او به صورت وحشیانه‌ای رفتار می‌کنند. آن‌ها انگلیسی را شکسته صحبت می‌کنند. همچنین بارها می‌نویسم که آن‌ها با نام وحشی‌ها خطاب می‌شوند. مشخصاً این فیلم لحظات نامناسب زیادی دارد. فیلم دامبو که در سال ۱۹۴۱ ساخته شد، بچه قیل داستان با دستنای از کلاغ‌ها ورودرو می‌شود. دسته کلاغ‌هایی که به عنوان تصویری کاریکاتوری از نژاد آفریقایی – آمریکایی پذیرفته شده بودند. نمونه بارزی از این واقعیت این است که نام رهبر این کلاغ‌ها در متن جیم کرو بود. اگرچه خیلی‌ها آن کلاغ‌ها را به عنوان شخصیت‌های مثبت در نظر گرفته‌اند، چرا که

یک موش کوچک است او را دلداری می‌دهد و وقتی می‌بند دامبو از شدت گریه به سسکه اقتصاده از او می‌خواهد که کمی از آب بشکه بنوشد و چند ثانیه نفسش را در سینه حبس کند تا سسکه‌اش بند بیاید، اما هر دو بی‌اطلاع هستند که محتویات بشکه آب نیست و هر دو از خود بی‌خود می‌شوند. آن‌ها در توهماشتان یک دسته فیل صوری را در حال خواندن و نواختن و رژه رفتن می‌بینند. جالب اینکه هر چند این صحنه مناسب هر سن و سالی نیست، اما هنوز به عنوان یکی از صحنه‌های خاطره‌انگیز در میان کارتون‌های دیزنی به شمار می‌آید.

آلیس در سرزمین عجایب اثر دیگری است که در نگاه اول یکی از کودکانه‌ترین کتاب‌ها برای مخاطب این رده سنی است. اگر کمی به حافظه خود رجوع کنید حتماً حضور موجودات عجیب از جمله هزارپای قلابان کشی که آلیس را به سوی گرفتن تصمیمات وحشتناک سوق می‌داد را در این کارتون به خاطر خواهید آورد. یا هنگامی که آلیس برای کمک به آدم‌برفی می‌رود، موجودی اسفنجی او را به خوردن یک گاز از قارچ خود ترغیب می‌کند که این امکان را به او می‌دهد که بزرگ‌تر از یک غول یا کوچک‌تر از یک مورچه باشد که این بیشتر شبیه به یک ماده توهمز با نظر می‌رسد.

ساخت تصور غلط از روابط عاشانه برای دختران و ارائه کلیشه‌های جنسیتی
بدون شک کارتون‌های وال‌ت‌دیزنی یکی از مهمان ردیف اول در ساخت کلیشه‌های غلط جنسیتی هستند. در بیشتر این کارتون‌ها دختران موجوداتی بدبخت دربند و گرفتار و ناتوان هستند که سال‌های سال در انتظار آمدن یک منجی که معمولاً شاهزاده‌ای سوار بر اسب است، نشسته‌اند. اما این کلیشه‌ها تنها بر این‌جا ختم نمی‌شود، به عنوان مثال با نگاهی به انیمیشن دیو دلبر پی می‌برید که اوضاع بدتر از این حرف‌هاست، یکی از دلایل موفقیت این انیمیشن این بود که داستان پیچیده عاشقانه میان دیو و دلبر توانست قلب‌های زیادی را تسخیر کند. برخلاف بسیاری از افسانه‌ها، قهرمانش یک موجود نفرت‌انگیز است. در آغاز فیلم می‌بینیم که تعدادی گرگ در تعقیب پدر بل هستند. موریس به سرعت به قلعه خود پناه می‌برد. او غرضی به مرد پیچاره می‌کند. پیش از آنکه وی را با خشونت به درون سلول ببندازد، بل برای نجات پدر سر می‌رسد و از دیسو می‌خواهد پدرش را که بیمار است از زندان آزاد کند و او تنها به این شرط اجازه بیرون آمدن دارد که جایش را در زندان با دخترش بل عوض کند. گروگان گرفتن یک قهرمان زن توسط یک مرد، شرونی ناخوشایند برای هر فیلمی است چه رسد به اینکه یک فیلم کودکانه باشد. با این حال علاقه‌ای میان آن دو شکل می‌گیرد و برخلاف دیگر آثار دیزنی آن را کاملاً آشکار و صادقانه نشان می‌دهد، اما این ممکن است پیام اشتباهی را به کودکان منتقل کند. در مورد دیگر آثار می‌توان به کارتون علا‌الدین اشاره کرد. جعفر یکی از شرورترین شخصیت‌هایی است که کارتون‌های دیزنی تاکنون خلق کرده است. نه‌تنها جنی و سلطان را زندانی می‌کند بلکه سعی می‌کند خود را به جاسمین نزدیک کند. صحنه اغواگری و بوسیدن جعفر توسط جاسمین برای آنکه حواسش را از ورود علا‌الدین پرت کند از نظر بسیاری از خانواده‌ها مناسب کودکان نیست، ایده به زنیز کشیدن جاسمین و ازدواج اجباری با مردی مسن به جای کسی که او دوستش دارد، بسیار ناراحت‌کننده است، اما خوشبختانه چندان پرشمس نمی‌آید و همه‌چیز را از کنترل جعفر خارج می‌کند.

تهدیدهای گسترده در حوزه کودکان و نوجوانان بسبی بیش از موارد بالاست و تنها به عنوان نمونه و اشاره به برخی المان‌ها در میان انبوه همه‌های وارده به ذهن‌ها و قلب‌ها پرداختیم. پرسش نخست اما چگونگی مقابله با این یورش همه‌جانبه و هدمفند است و اینکه نهادهای دولتی و حاکمیتی کشور چه وظیفه خطیری در کمک به خانواده‌ها دارند؟

چهره خبر

پیمان جلیی مطرح کرد

بودجه برون مرزی صداوسیما یک سوم شده است!



وجود دارد. امیدوارم تعدمی وجود نداشته باشد و این رویکرد نهادهایی مثل دولت و بانک‌مرکزی حاصل بدفهمی باشد. جلیی با اشاره به مشکلاتی که موجب شد پخش الکوثر نیز قطع شود، بیان کرد: ما تاکنون با چنگ و دندان اوضاع را نگه داشته‌ایم، اما وقتی به طور مثال هزینه یک ماهواره چند ماه نباشته می‌شود به طور طبیعی پخش شبکه متوقف می‌شود. وی درباره نمونه‌ای از این هزینه‌ها که به تازگی خبرساز شده است، عنوان کرد: شبکه الکوثر برای ۶ ماه باید ۱۵۰هزار دلار به

این مدیر ارشد سازمان صداوسیما ادامه داد: ما می‌بینیم که بودجه‌های بسیار نجومی و بزرگ در اختیار پروژه‌ها قرار می‌گیرد، نه در صداوسیما بلکه حتی در بیرون از سازمان یعنی به طور مثال برای رسانه‌ای شدن موضوع کرونا در کشور ببینید رسانه‌هایی غیر از صداوسیما چقدر بودجه گرفتند. پس بودجه ارزی و ریالی کم نیست، آنچه به ما ضربه می‌زند نگاه‌های غلطی است که در دستگاه‌های حاکم

سیما و سینما: پیمان جلیی، معاون برون مرزی صداوسیما ضمن تشریح بخشی از مشکلات مالی این معاونت، در زمینه تعدیل اجباری نیرو، عنوان کرد: تعداد خبرنگاران برون مرزی این سازمان از ۲۰۰ نفر به زیر ۵۰ نفر رسیده است!

پیمان جلیی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر با اشاره به مشکلات مالی و بودجه‌ای معاونت برون مرزی صداوسیما که این سال‌ها گریبان گیرشان بوده و موجب شده کمتر بتوانند سراغ کارهای تولیدی برون‌د، بیان کرد: برای تولید نیاز به هزینه‌های سنگین است که چنین بودجه‌ای واقعاً از اختیار ما نیست. ما حتی برای تأمین، خرید و آماده‌سازی سرایال‌های خارجی برای پخش هم با مشکل مواجه هستیم.

وی درباره دوبله آثار ایرانی در کاتال‌های کردی، عربی و دیگر شبکه‌های برون مرزی، اظهار کرد: ما حتی برای زبان‌گردانی سرایال‌های ایرانی هم مشکل داریم. مشکل از اینجاست که منابع تأمین‌کننده بودجه ارزی صداوسیما حدود چند سسال است که با مشکل جدی مواجه شده است. هر چند من صلاح نمی‌دانم به جزئیات اشاره کنم، ولی به نظر می‌رسد این مشکلات هیچ ارتباطی با کمبود منابع مالی نداشته باشد!

امیدوارم تعدمی در کار نباشد!

پیمان جلیی در گفت‌وگو با خبرنگار مهر با اشاره به مشکلات مالی و بودجه‌ای معاونت برون مرزی صداوسیما که این سال‌ها گریبان گیرشان بوده و موجب شده کمتر بتوانند سراغ کارهای تولیدی برون‌د، بیان کرد: برای تولید نیاز به هزینه‌های سنگین است که چنین بودجه‌ای واقعاً از اختیار ما نیست. ما حتی برای تأمین، خرید و آماده‌سازی سرایال‌های خارجی برای پخش هم با مشکل مواجه هستیم.



یوتل‌ست بردارد. صداوسیما باید ارز را از دولت بگیرد و پرداخت کند.

ناگزیر به سمت کارهای کم‌تأثیر می‌رویم!

جلیی با اشاره به تأثیر این مشکلات در شرکت‌های زبان‌گردانی مرتبط با ایران در منطقه تصریح کرد: غیر از این‌ها ما برای شرکت‌های تولیدی یا زبان‌گردان برای شبکه سحر اردو و کردی یا آی‌فیلم عربی به بودجه نیاز داریم. بسیاری از این شرکت‌ها در منطقه به خاطر ما ایجاد شده‌اند و به این شرکت‌ها هم بدهی داریم. این شرکت‌ها در نقاط مختلف مثل ترکیه، جمهوری آذربایجان و دیگر کشورها هستند و به دلیل همین بدهی‌های سنگین نابود شده‌اند، بنابراین کار تأمین ما متوقف شده و ناگزیر باید به کارهای کم‌تأثیر رو بیاوریم.

معاون برون مرزی صداوسیما در پایان تصریح کرد: در بیش از ۲۰۰ خبرنگار در شبکه‌های برون‌مرزی سیما داشتیم که امروز تعدادشان را زیر ۵۰ نفر رسیده و مجبور شده‌ایم آن‌ها را تعدیل کنیم. بودجه ما در طول ۶ سال گذشته به تدریج کمتر شده و به یک‌سوم رسیده است. بودجه ارزی‌ای هم که تا اینجا در سال ۹۹ تریق شده، کمتر از یک‌چهارم بودجه ارزی معاونت برون مرزی در سال ۹۳ بوده است!